**خورشید ری**

**نگاهی کوتاه به زندگی و شخصیت حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)**

ولادت

حضرت عبدالعظیم حسنی، در چهارم ربیع الثانی سال 173هجری در شهر مدینه چشم به جهان گشود. ایشان فرزند عبداللّه بن علی، از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) بودکه نسبتش با چهار واسطه به آن حضرت می رسید.

عبدالعظیم، از دانشمندان شیعه و از راویان حدیث ائمه ی معصومین (ع) و نیز از چهره های بسیار محبوب و مورد اعتماد، نزد اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به شمار می رفت. دوران وی، گر چه عصر حاکمیت عباسیان و ایجاد خفقان و سخت گیری نسبت به شیعیان بوده است، ولی مدافعان دین و حافظان مکتب که روایات امامان را ثبت و نقل می کردند، نقش عمده ای در پاسداری و صیانت از فرهنگ والای اهل بیت (ع) داشتند و این بزرگوار نیز یکی از سنگربانان عقیده ی تابناک تشیع محسوب می شودکه درحفظ و انتشار سخنان ائمه ی اطهار، سخت کوشا بود و ستایشهای فراوان ائمه (ع) از وی نشان دهنده ی شخصیت والای علمی و معنوی وی می باشد.

ادب نسبت به ساحت ائمه (ع)

«شیخ محمّد شریف رازی» در کتاب خود، پیرامون ادب حضرت عبدالعظیم نسبت به ساحت ائمه ی معصومین (ع) چنین می نویسد: «رفتار و عادت کریمانه ی حضرت عبدالعظیم (ع) این بود که هر وقت وارد مجلس حضرت امام جواد (ع) یا امام هادی (ع) می شد، با کمال ادب و خضوع و غایت حیا و تواضع، در حالی که دست های خود را از ردا بیرون آورده بود، با کمال ادب به محضر آن امامان سلام عرض می کرد و امام پس از جواب سلام، او را نزدیک خود می خواند و در کنار خویش می نشاند؛ به حدّی که زانوی مبارکش به زانوی مقدّس امام می چسبید و امام، کاملا از احوال او سؤال می کرد که این موجب حسرت و غبطه ی دیگران می شد.»

محمّد شریف رازی در ادامه می نویسد: یکی از جنبه های احترام و تعظیم های امام جواد (ع) و امام هادی (ع) به جناب عبدالعظیم حسنی این بود که هیچ وقت اورا به نام نمی خواندند و پیوسته حضرتش را با کنیه اش - که «ابوالقاسم» بود- خطاب می نمودند و علمای ادب می گویند که کنیه برای تعظیم و تکریم و احترام، وضع شده است؛(2) لذا به خوبی فهمیده می شود که حضرات ائمه ی معصومین (ع) تا چه حدّی برای جناب عبدالعظیم، احترام قائل بوده اند و اینها چیزی جز این نیست که تقوا، ورع و علم توأم با عمل عبدالعظیم، باعث شده است که محبوبیت خاصی نزد امامان معصوم بیابد.»

مقام و منزلت عبدالعظیم از زبان معصومین (ع)

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» می نویسد: «وقتی که حضرت عبدالعظیم (ع) خدمت امام هادی (ع) مشرف شد و عقاید خود را اظهار نمود، امام فرمود: تو از دوستان حقیقی ما هستی.»(3)

و نیز مؤلف کتاب «جنةالنعیم» می گوید: «شخصی به نام ابا حماد رازی - از شیعیان و موالیان شهر ری - با وجود مشکلات آن زمان به سامراء رفت و خدمت امام زمانش حضرت علی النقی (ع) رسید و مسائلی را پرسید. امام، ضمن پاسخ به مسائل او، فرمود:

«ای ابا حماد! هرگاه مشکلی از امور دینی برایت پیش آمد، جواب مشکل خود را از عبدالعظیم حسنی بخواه و سلام مرا به او برسان.»(4)

عبدالعظیم در کلام علمای اسلام

سیّد جلیل القدر، حضرت عبدالعظیم حسنی، در میان فرزندان ائمه ی هدی (ع) از مقام و منزلت والایی برخوردار است که غالب دانشمندان و نوابغ عالم اسلام، هر کدام به نوبه ی خود، باعباراتی بدیع و بیاناتی لطیف، او را ستایش کرده اند؛ که بیان برخی از آنها در این جا جالب توجه بوده، موجب معرفت بیشتر به آن حضرت می گردد:

- شیخ بزرگوار، صدوق می نویسد: «حضرت عبدالعظیم (ع)» شخصی خدا پرست، پارسا و پسندیده ی خدا و رسول خدا - صلی اللّه علیه و آله - و مردم بوده است.»(5)

صاحب بن عباد - که یکی از علمای اهل تسنن و وزیر فخر الدوله بوده است - می گوید:

«عبدالعظیم حسنی (ع) مردی با ورع، پارسا و پرهیزگار و دیندار و خدا پرست، معروف به امانت داری و دارای صداقت لهجه، دانای به امور دین و گویای توحید، و عدل بسیار بود. در زمان خودش در علم و ادب و فضل و دانش و تقوا، بعد از امام زمانش، برتمام معاصران خویش برتری داشته، هیچ کس را منزلت او نبوده و به تمام معنا تبعیّت و تقلید از حضرات ائمه (ع) می نمود و در اولاد و احفاد حضرت امام حسن مجتبی (ع) کسی به قدر مرتبه و مقام او نرسیده است.»(6)

نجاشی نیز در کتاب «رجال» خود درباره ی شخصیت حضرت عبدالعظیم می گوید:

«عبدالعظیم (ع) در حال خوف و فرار از خلیفه، وارد شهر ری گردید و در سرداب منزل یکی از شیعیان ساکن شد؛ وی در آن زیر زمین، که مخفی گاه او بود، روزها را روزه می داشت و شب ها را به نماز مشغول می شد.»(7)

درمحضر سه امام

یکی از ویژگی های مهم در زندگی حضرت عبدالعظیم (ع) این بود که توفیق یافت محضر پرفیض سه حجّت الهی را - که عبارتند: از امام رضا، جواد و امام هادی (ع) - درک نماید، از تعالیم آن بزرگواران بهره مند گردد و سخنان و روایات آنان را به نسل های بعد منتقل نماید. وقتی امام رضا (ع) در مدینه به سر می برد، برای حضرت عبدالعظیم (ع) امکان دیدار با حضرتش فراهم بود؛ پس از شهادت آن حضرت، که امامت به امام جواد (ع) رسید، در آن مدت که امام نهم در مدینه بود، این سعادت و توفیق همچنان برای حضرت عبدالعظیم (ع) فراهم بود که با آن حضرت، تماس و دیدار داشته باشد و از دانش آن بزرگوار، بهره گیرد. گاهی نیز سؤالات خود را به صورت نامه از امام می پرسید و جواب مکتوب از امام دریافت می کرد.

سرشارترین و حسّاس ترین مقطع حیات حضرت عبدالعظیم، دوران امام هادی (ع) بود؛ گرچه امام هادی (ع) بخشی از عمر خویش را در یک منطقه ی حفاظت شده ی نظامی و تحت نظر، در «سامرا» گذراند و در آن دوران، امکان ارتباط شیعیان با آن حضرت، کمتر و با مشکلاتی همراه بود؛ امّا عبدالعظیم حسنی (ع) درهمان زمان هم به محضر امام هادی(ع) می رسید و از او رهنمود می گرفت.

علت هجرت به ری

علت مهاجرت حضرت عبدالعظیم (ع) از مدینه به ری و سکونت در غربت را باید در اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر، جستجو کرد.

خلفای عباسی نسبت به خاندان پیامبر (ص) و شیعیان ائمه (ع) بسیار سخت گیری می کردند. یکی از خشن ترین و بد رفتارترین این خلفا، «متوکل» بود که دوران خلافتش، نه تنها چندین بار مزار سیّدالشهداء (ع) را در کربلا تخریب کرد، از زیارت قبر آن حضرت نیز جلوگری می نمود. امام هادی (ع) با پنج نفر از خلفای عباسی - از جمله متوکّل - هم عصر بود. متوکّل، برای مصون ماندن از خشم انقلابی مردم مظلوم و جلوگیری از تجمع شیعه بر محور وجود امام هادی (ع) آن حضرت را از مدینه به سامرا برد، تا تمامی فعالیت ها و ارتباطات آن امام را زیر نظر داشته باشد. حتّی چندین بار مأموران خلیفه به خانه ی امام ریختند و با گستاخی تمام، به تفتیش خانه ی آن حضرت پرداختند. وقتی نسبت به امام معصوم، با آن موقعیت حساس، اینگونه برخوردهای تند وجود داشت، درباره ی پیروان آنان و شخصیت های رده ی بعدی، سختگیری و خوف و خطر بیشتری بود.

از آنجا که حضرت عبدالعظیم (ع) بعضا به خدمت امام هادی (ع) در سامرا می رسید و از محضرش استفاده می نمود، جاسوسان خلیفه ارتباط ایشان را با امام هادی (ع) گزارش نمودند و در پی آن، خلیفه دستور تعقیب و دستگیری وی را صادر کرد و لذا حضرت عبدالعظیم حسنی برای مصون ماندن از خطر خلیفه ی عباسی، خودرا از چشم مأموران پنهان می کرد و در شهرهای مختلف به صورت ناشناس، رفت و آمد می کرد و این وضع ادامه داشت تا اینکه حضرت عبدالعظیم به شهر «ری» رسید و در آنجا قصد اقامت نمود.(8)

حضرت عبدالعظیم در «ری»

حضرت عبدالعظیم به صورت یک مسافر ناشناس، وارد رِی شد و در محله ی «ساربان» در کوی «سکةالحوالی» به منزل یکی از شیعیان رفت. مدتی در زیر زمین آن خانه به سر می برد و مردم از حضورش بی خبر بودند و تنها افراد انگشت شماری از شیعیان او را می شناختند و از حضورش در آن محله، مطلع بودند که آنان هم می کوشیدند که این خبر، فاش نشود تا خطری جان ایشان را تهدید نکند. امّا با گذشت زمان، افراد بیشتری حضرت عبدالعظیم (ع) را می شناختند و به خانه اش رفت و آمد می کردند تا از علوم و روایاتش بهره گیرند وعطر خاندان عصمت را از او ببویند.(9)

آری! شیعیان آن خطّه، حضرت عبدالعظیم را یادگاری از امامان خویش می دانستند و پروانه وار به گرد شمع وجودش طواف می کردند و بر موقعیت علمی و دینی او ارج می نهادند و مسائل شرعی و مشکلات دینی خویش، را بوسیله ی او حل می نمودند.

غروب خورشید

روزهای پایانی عمر پر برکت حضرت عبدالعظیم (س) با بیماری همراه بود. آن قامت بلند ایمان و تلاش، به بستر افتاده بود و پیروان اهل بیت (ع) در آستانه ی محرومیت از وجود پر خیر و برکت این سیّد کریم قرار گرفته بودند. عبدالعظیم حسنی (ع) علاوه بر رنجی که از بیماری و غربت و دوری از خویشاوندان می برد، اندوه مصیبتهای پیاپی مردم و روزگار تلخ شیعیان در عصر حاکمیت عباسیان، برایش جانکاه بود. او با ذکر پیوسته خدا و عبادت به روح خود آرامش می بخشید و بار غربت و بیماری را بردوش می کشید.

بنابر قول مشهور، خورشید فروزان ری، حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در پانزدهم شوال 252هجری، غروب کرد(10) و در پی آن شعله ی دیرپای حق و ایمان در آن دیار، فرو خوابید. خبر درگذشت آن بزرگوار، دهان به دهان گشت و مردم شهر، جملگی سیاه پوش شدند و بر در خانه ی آن حضرت صدا به گریه و شیون بلند کردند و پس از آنکه پیکر مطهّر حضرت عبدالعظیم (ع) در میان خیل عظیم مردم تشییع شهر، در آن شهر به خاک سپرده شد.

قرن هاست که حرم با شکوه حضرت عبدالعظیم (ع)، با جلوه ای ملکوتی و معنوی که داشته، کهربای جانهای مشتاق و دلهای پاک بوده است و همواره قلوب اهل معرفت، کبوتر وار برگرد حرمش طواف کرده است.

فضیلت و ثواب زیارت

فرهنگ زیارت در مکتب شیعه، از شیوه های اساسی احیای نام و یاد بزرگان، عالمان و اولیای خدا است. حضوریافتن در کنار قبور انسانهای والا و برجسته، هم ارج نهادن به پاکی و صداقت و ایمان و جهاد آنان است و هم الگوگیری از زندگی و الهام جویی از نام ویاد ایشان است، لذا تشویق های بسیاری که در روایات اسلامی پیرامون زیارت مرقد ائمه ی معصومین و امامزادگان بزرگوار آمده است، یک دستور تربیتی و ارشادی است. زیارت حرم باصفای حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام نیز در همین راستا مورد تأکید و توجه بوده است که در روایتی از امام هادی (ع) آمده است که هر کس قبر حضرت عبدالعظیم (ع) را زیارت کند، خداوند بهشت را به او پاداش می دهد! (11)

وهمچنین در نقل دیگری آمده است که مردی از اهل ری، خدمت امام هادی (ع) رسید. امام از او پرسید: کجا بودی؟ گفت: به زیارت سیّد الشهدا (ع) رفته بودم. حضرت فرمود: بدان که اگر قبر عبدالعظیم حسنی را زیارت کنی، گویا حسین بن علی علیه السّلام را زیارت کرده ای.(12)

اینکه زیارت حضرت عبدالعظیم (ع) پاداش بهشت دارد و یا همچون زیارت کربلا ارزشمنداست، دلیل و نشانه ی مقام والا و عالی آن سیّد بزرگوار در نزد خدا و اهل بیت عصمت (ع)است؛ چراکه وی درآن دوران سخت و پرخطر، مطیع امامان بود و فروغ احادیت و کلمات نورانی ائمه ی اطهار(ع) را در شهرهای مختلف می گستراند؛ لذا فعالیت او در چنان شرایط خطیر از ارزش خاصی برخوردار بود.

گوهرهای ناب

حضرت عبدالعظیم (ع) علاوه بر دانش، تقوا، مجاهدت و مقام والای اخلاقی و فضایل معنوی، از موثّق ترین راویان احادیث از اهل بیت عصمت (ع) بود. نام وی در سلسله ی سند تعدادی از احادیث، در موضوعات تفسیری، فقهی، اخلاقی و اعتقادی می درخشد. در پایان این نوشتار کوتاه به عنوان تبرّک از کلام معصومین (ع) برخی از احادیثی که حضرت عبدالعظیم (ع) مستقیما خود از امام معصوم (ع) شنیده است، بیان می کنیم.

رفتار مکتبی

امام رضا (ع) خطاب به حضرت عبدالعظیم (ع) فرمودند: «ای عبدالعظیم! سلام مرا به دوستانم برسان و به آنان بگو که شیطان را به خودشان راه و سلطه ندهند. آنان را به راستگویی و امانت داری و سکوت و ترک مجادله در کارهای بیهوده و دیدار و توجه به یکدیگر دستور بده؛ چراکه اینها مایه ی نزدیک شدن به من است. خود را مشغول دشمنی با یکدیگر و دریدن هم نکنند! من با خودم پیمان بسته ام که هرکس چنین کند و یکی از دوستانم را به خشم آورد، از خدا بخواهم که او را در دنیا به شدیدترین نحو عذاب کند. در آخرت نیز، وی از زیانکاران خواهد بود.»(13)

زیارت امام رضا (ع)

حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) از امام جواد (ع) روایت می کند که آن حضرت فرمودند: «هر کس پدرم -امام رضا(ع)- را بامعرفت به حقش، در طوس زیارت کند، بهشت را نزد خداوند برای او ضمانت می کنم.»(14)

انتظار فرج

حضرت عبدالعظیم می گوید: «امام جواد (ع) برای من فرمود: «به درستی که قائم خاندان ما همان «مهدی» است که واجب است در زمان غیبتش، انتظار او کشیده شود و در ظهورش اطاعت گردد. سوگند به خدایی که محمّد را به رسالت برانگیخت و مارا به امامت مبعوث نمود، اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند، آن روز آنچنان طولانی خواهد شد که مهدی (ع) از پشت پرده ی غیبت ظهور خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد خواهدنمود. خداوند امور ولی عصر را در یک شب، اصلاح خواهد نمود؛ به همان روشی که امر موسی بن عمران را در یک شب اصلاح کرد....بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.»(15)

پی نوشت ها:

1- امام زادگان ری، ج 1، ص 78.

2- زندگانی حضرت عبدالعظیم (ع)، ص 30.

3- کمال الدین، ج 2، ص 51.

4- اختران فروزان ری، ص 37.

5- من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 80.

6- امام زادگان ری، جلد 1، ص 74.

7- رجال نجاشی، ص 247.

8- روح و ریحان، ص 248.

9- امام زادگان ری، ج 1، ص 120.

10- همان منبع، ص 122.

11- کامل الزیارات، ص 324.

12- همان، ص 324.

13- اختصاص، ص 247.

14- عیون الاخبار، ص 341.

15- کمال الدین، ج 1، ص 188.